

## برخی مسایل ساختمان حزب

فشرده سخنرانی دكتور شايسته  
در پلنوم دوم شوراي مركزي نهضت آينده افغانستان

با عرض سلام و احترام رفيقانه به همه شما شركت كننده گان اين جلسه با شكوه ميخواهم روي برخي مسایل ساختمان حزب مردم افغانستان صحبت نمايم؛ زيرا كه اين مسأله به حيث يك موضوع داغ روز در برابر نهضت آينده افغانستان و ساير حلقات و محافل چپ کشور قرار دارد.  
رفقای ارجمند!

من به اين عقیده هستم كه ساختمان حزب به طور كُله و ساختمان حزب مردم افغانستان به طور خاص عبارت از مجموعه مركب (كمپلكس) از اقدامها، تدابير و وظايف سياسي، اجتماعي، سازماني، اندیشه يي و مادي-تخنيكيست كه به خاطر تحقق اهداف مشخص در شرايط اجتماعي-اقتصادي مشخص عملي ميگردد.  
ساختمان حزب شكلي از مبارزه سياسي- اجتماعيست كه در جريان اين مبارزه، يك نهاد سياسي جديد به نماينده گي از گروه اجتماعي مشخص در جامعه به وجود ميآيد كه حزب يا سازمان سياسي ناميده ميشود. حزب از منافع گروه اجتماعي مربوط دفاع ميكند و به خاطر ايفاي نقش تاريخي آن فعاليت مينمايد.  
ساختمان حزب مستلزم و محصول سطح معين رشد و تكامل اجتماعي-اقتصادي، سياسي و فرهنگي جامعه است يعني جامعه بشري در مسير تكامل تاريخي خود به مرحله يي ميرسد كه شركت وسيعتر گروههاي اجتماعي در قدرت سياسي (دولت) به يك امر ضروري و نياز مبرم و شرط تكامل بعدي جامعه مبدل ميگردد. شركت كته گوريهاي مختلف مردم (اتباع) در قدرت سياسي (دولت) معمولاً غير مستقيم يعني از طريق احزاب سياسي آنها صورت ميگيرد و اين مظهر تكامل اجتماعي سياسي معين جامعه (دموكراسي) است.

بنابر اين كار ساختمان حزب به طور ناگزير و بلافاصله با ساختمان سياسي كُله جامعه يعني دولت رابطه مستقيم پيدا ميكند. يعني حزب به حيث نماينده سياسي گروه اجتماعي معين در امور جامعه و دولت مداخله ميكند و در ساختارها و عملكردهاي آن به نفع گروه خود اثر ميگذارد. اثرگذاري و مداخله حزب در امور دولت معمولاً به دو شكل صورت ميگيرد. يكي به شكل مستقيم يعني از طريق شركت در ارگانهاي اساسي قدرت دولتي و تنظيم مشي دولت، و يا اين كه به شكل

غیر مستقیم یعنی از طریق اعضای حزب که در ارگانهای دولت کار میکنند، کار نشراتی و پخش اندیشه های حزب، کار انفرادی سیاسی با نماینده گان مردم (پارلمان)، سازمانهای اجتماعی و صنفی، انجمنهای حقوقی و ...

حزب به خاطر ایفای درست نقش تاریخی که در برابر آن قرار میگیرد، مرامنامه و اساسنامه خود را طرح میکند و در روشنی آن به انسجام سازمانی خود میپردازد. در مرامنامه و اساسنامه حزب اصول، اهداف و وظایف سیاسی-سازمانی و اندیشه یی حزب مطابق به اوضاع و شرایط عینی جامعه تعیین و مشخص میگردد.

مرامنامه و اساسنامه حزب اسناد اساسی تیوری و پراتیک ساختمان حزب اند که، با الهام از معرفت عمومی حزب (جهانبینی) و کاربست خلاق آن در پراتیک اجتماعی مشخص طرح و تدوین میگردد. حزب بر مبنای اصول اندیشه سیاسی مندرج در همین اسناد ساخته میشود. بناً مرامنامه و اساسنامه حزب را میتوان یک شکل مشخص جهانبینی حزب نیز نامید. طرح مرامنامه و اساسنامه گام نخستین حرکت به سوی ساختمان حزب است که با کار اندیشه یی (توضیح، تبلیغ و ترویج) و سازمانی مشترک حلقه کادرهای اساسگذار آغاز میگردد و با گامهای بعدی مشخص تر سازمانی-سیاسی از قبیل طرح و تعیین مشی جاری حزب، استخراج شعارها، ایجاد ارگانهای اساسی فعالیت حزب، طرح و تنظیم لوایح، مقرر ها و طرز عملهای کار، تقسیم وظایف، انتخاب کادرها، ایجاد سیستم کنترل بر اجراءات تنظیم امور مالی و بودجه یی و غیره تکمیل میگردد.

حزب بنابر وظایف پیچیده و نقش تاریخی دشواری که دارد نمیتواند از میان افراد عادی جامعه ساخته شود. در ساختمان حزب قبل از همه به نخبه گان (ایلیتها) جامعه ضرورت است. بنابر این کار ساختمان حزب عمدتاً در جایی متمرکز میگردد که این مواد اساس ساختمان حزب یعنی نخبه گان (ایلیتها) جامعه وجود دارند و این همان بستر اجتماعی-اقتصادی خود جامعه است که در آن ظرفیتهای بیشتر ایجاد و پرورش کادرها (نخبه گان) به طور دوامدار موجود است و یا به وجود مییاید.

ناگفته نباید گذاشت که حزب به واسطه همین نخبه گان (ایلیتها) در متن حرکتیهای اجتماعی مردم جای میگیرد و فعالیتهای پراکنده و خود انگیخته آنها را انسجام بخشیده و آن را در مسیر تحقق اهداف حزب سمتدهی میکنند.

بعد از این مقدمه عمومی میپردازم به بحث پیرامون مسایل اساسی ساختمان حزب و نهضت آینده:

از صحبت مفصل امروز رفیق "ناییبی"، راجع به وضعیت کشور و وظایف بعدی جنبش چپ در افغانستان معلوم میگردد که این نهضت نقش مهمی در امر نوسازی جنبش چپ افغانستان ایفا کرده و در آینده نیز میتواند ایفا کند.

از پخش اندیشه های نوین چپ گرفته، تا پیش کشیدن طرحهای مرامنامه و اساسنامه حزب مردم افغانستان و انسجام سازمانی نسبی نهضت آینده، همه و همه نتایج درخشان کارهای این نهضت میباشند.

نهضت آینده مواضع اصولی و درست جنبش چپ افغانستان را نشان داد و از آن با قاطعیت دفاع کرد و به تمام نیروهای چپ جامعه جرأت بخشید تا در موضع دفاع از منافع زحمتکشان افغانستان که معیار اصلی چپ بودن، مردمی بودن و مترقی بودن است، قرار گیرند.

از وضع چنین معلوم میشود که آهسته آهسته تعداد زیادی از حلقات، گروهها و شخصیتهای مترقی و چپ کشور که تا دیروز در مواضع مشکوک و مبهم قرار داشتند، به تدریج به مواضع مشخص نهضت آینده نزدیکتر میگردند.

از جانب دیگر موضعگیریها و عملکردهای نیروهای راست حاکم در جامعه ما بیشتر از پیش رادیکال تر و آشکارتر میگردد که این خود نقش مهمی در تغییر مواضع نیروهای سیاسی- اجتماعی جامعه ایفا کرده و زمینه های تشکل چپ افغانستان را بیشتر و گسترده تر میسازد. یعنی جنبش چپ جامعه ما از درون وضعیت عینی جامعه که خود نیروهای راست حاکم به وجود آورده و یا می آورند در روشنی اندیشه های سیاسی- اجتماعی که نهضت آینده افغانستان مطرح کرده است به طور قانونمند اما به تدریج ساخته میشود.

نیروهای راست حاکم (سرمایه داری) در افغانستان در مرحله تاریخی قرار دارند که بنابر عوامل عینی هنوز هم رادیکال تر عمل کرده نمیتواند (هنوز پایه های سیاسی- اقتصادی آن محکم نگردیده است) در این مرحله سعی میکند تا در قدم اول با دوست قرون وسطایی ناراضی خود تصفیة حساب نموده، یا آن را تغییر شکل داده و یا از صحنه سیاسی کشور دور نماید. درعین حال میخواهد با استفاده از برخی بازمانده های چپ دیروز مواضع چپ واقعی (زحمتکشان) را نیز اشغال نماید. به داد و فریادهای دفاع از آزادی، دموکراسی، ترقی، حقوق بشر و غیره میپردازد، گاهی بر پیروزی خود در شکست جنبش چپ افتخار میکند و گاهی هم از گذشته ارتجاعی خود عذرخواهی. اما محیلانه از آنهایی که فریب میخورند برای تحقق اهداف استراتژیک کار میگیرد. این یک امر تاریخی و گذار موقت است، هر قدر پایه های نظام سرمایه داری نیولیبرالی محکمتر و مسلط تر میگردد به همان اندازه سرمایه رادیکال تر و رسواتر عمل میکند، آن گاه همه تعهدهای خود را زیر پا کرده و به هیچ دوست یا آشنای قدیم و یا جدید در مقابل منافع (سود) ظالمانه خود رحم نمیکند، به قول معروف این شکل نظام سرمایه داری نه دوست ثابت دارد و نه دشمن ثابت، بل منافع استثمار و استعماری آن همیشه ثابت است و تابع هیچ نوع موازین حقوقی، سیاسی و اخلاقی انسان نمیگردد.

سرمایه (در شکل مالکیت خصوصی نیولیبرال) باید زیاد شود و این افزایش به وسیله کار اضافی انسان زحمتکش صورت میگیرد. گرچه در کشورهای صنعتی پیشرفته امروز این وسیله افزایش سرمایه (کار اضافی) تحت پوشش اصطلاح اقتصاد علمی از نظر دور نگهداشته میشود، ولی تا کنون در تمام کشورهای سرمایه داری به شمول امریکا و اروپا کار اضافی به حیث یک وسیله اساسی افزایش سرمایه و عامل اصلی تمام بیعدالتیها هنوز وجود دارد. حاکمیت جدید در جهان (سرمایه داری نیولیبرالی) وسایل دیگری را نیز به خاطر افزایش سرمایه وسیعاً به کار میبرد، این وسایل عبارت اند از: جنگ، غارت، چپاول، هرج و مرج، قاچاق و شانتاژ (به زور و تهدید پول گرفتن) .. بدینگونه:

«کار اضافی + شانتاژ + هرج و مرج + قاچاق + چپاول + غارت + جنگ = سرمایه داری نیولیبرالی»

چون این وسایل افزایش سرمایه برای حاکمان نیولیبرال سودمندتر و برای زحمتکشان زیانبارتر است، بناً در همه جاها و در همه شرایط یکسان به کار برده نمیشود. (در شکل مالکیت خصوصی نیولیبرال) سرمایه در مراکز پیشرفته سرمایه داری (امریکا و اروپا) عمدتاً با کار اضافی زحمتکشان افزایش مییابد. گرچه وسایل دیگر افزایش سرمایه مانند قاچاق، دزدی و غارت و شانتاژ در این مراکز نیز وجود دارد اما ظاهراً کنترل شده و تحت تأثیر و به کمک قوانین دولت سرمایه داری در افغانستان امروز همه اشکال وسایل افزایش سرمایه های شخصی (داخلی و خارجی) به کار افتاده است. در میان این ابزار و وسایل افزایش سرمایه، جنگ و قاچاق مواد مخدر و هرج و مرج مهمترین و پر سودترین و در عین حال غیر انسانی ترین وسایل افزایش سرمایه های شخصی اند.

محصول کار اضافی دهساله (بیشتر از آن) کارگران یک مؤسسه تولید غذا و لباس در امریکا و اروپا معادل بودجه یکماهه یک قطعه نظامی کوچک آنها در افغانستان است، همچنان عواید ناشی از تولید و قاچاق مواد مخدر (تریاک) در افغانستان معادل بودجه دهساله آن کشور است و شاید اضافه تر از آن.

نظام سرمایه داری جدید افغانستان در چوکات فورمول نیولیبرالی افزایش سرمایه ساخته میشود و پروسه بیست نسبتاً طولانی و مغلق. بنابر این بحران تشکل جنبشهای مردمی و چپ در کشور نیز یک روند طولانی و پیچیده است. از همه مهمتر این که تداوم بحران تشکل جنبش چپ افغانستان از بیرون کشور با وسایل افزایش سرمایه (جنگ، غارت، چپاول، قاچاق، هرج و مرج ..) در داخل کشور تشدید میگردد. با در نظر داشت فورمول جدید سرمایه از به کار بردن وسایل افزایش سرمایه در افغانستان تنها زحمتکشان افغانستان متضرر نمیگردند بل طیف وسیعتری از گروهها و اقشار اجتماعی جامعه از آن آسیب دیده و متضرر میگردند و در مقابل آن به عکس العمل میپردازند یعنی اعتراض میکنند، جنبش و

حزب خود را ایجاد میکنند و بالاخر در مبارزهٔ سیاسی- اجتماعی مشخص علیه پدیدهٔ اجتماعی- اقتصادی مشخص (سرمایه و و سایل افزایش آن) قرار میگیرند. این طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی اعم از بنیادی و غیر بنیادی جنبش چپ افغانستان را احتوا میکند. بنابر همین دلیل است که جنبش چپ معاصر افغانستان را یک جنبش اجتماعی- سیاسی نامتجانس نیز میتوان نامید. سازمان سیاسی چپ نوین (بنیادی) باید از میان این جنبش و در داخل آن ساخته شود و به کار و فعالیت خود ادامه دهد.

نهضت آیندهٔ افغانستان با در نظر داشت اصول مرامی و تشکیلاتی مصوب اجلاس عمومی مورخ جولای ۲۰۰۲ خود منتشر در شماره های ۲۳-۲۴ نشریهٔ آینده بر مبنای همین دیدگاه (اندیشهٔ سیاسی) ساخته شد و ما تا کنون به کارهای اندیشه یی و سازمانی معین در روشنی مشی سیاسی نهضت آینده ادامه داده و میدهیم.

در اصول مرامی و تشکیلاتی نهضت آینده در عرصهٔ سیاسی چنین گفته میشود:  
۱- ایجاد جامعهٔ واقعاً دموکراتیک افغانی و استقرار یک دولت مبتنی بر قانون در افغانستان به حیث یک هدف بزرگ دورنمایی.

۲- همکاری و اتحاد با تمام نیروها و عناصر دموکرات جامعهٔ افغانی برای تحقق این آرمان والا.

۳- تلاش همه جانبه، پیگیر و عاری از هرگونه گرایش سکتاریستی و تفوق طلبانه به منظور تشریک مساعی با نیروها، احزاب، سازمانها و عناصر دموکرات و ترقی پسند- با حفظ هویت‌های مستقل شان- در یک حرکت کلی دگرگون‌ساز و آینده نگر به مقصد پی ریزی بنیادهای جامعهٔ دموکراتیک افغانی.

بدین ترتیب دیده میشود که نهضت آیندهٔ افغانستان مشی سیاسی روشن در قبال نوسازی جنبش چپ افغانستان دارد. ما مصروف تشکیل یک ادارهٔ سیاسی دموکراتیک نهضت آینده در شکل فدراسیونهای نهضت در خارج و داخل کشور هستیم، ما روابطی با سایر حلقات، سازمانها و عناصر دموکرات داریم، نهضت آینده در عرصهٔ کار اندیشه یی به موفقیت‌های زیادی دست یافته است.

ولی مطالبات جنبش در وضعیت کنونی جامعه گسترده تر از کارهای انجام یافته توسط نهضت آینده بوده، خواهان تکمیل اصول مرامی و تشکیلاتی نهضت اند.

از جانب دیگر با تشکیل حزب مردم افغانستان نقش و رسالت نهضت آینده افغانستان ختم نمیشود باید روی این مساله اندیشید که وظایف نهضت چگونه و از طریق کدام ساختارها ادامه خواهند یافت. ما باید در این زمینه یک تفکر گستردهٔ دسته جمعی را سازمان بدهیم. در آن وقت من نظریات مشخص خود را به شورای مرکزی ارایه خواهم کرد.

همین اکنون در اثر مبارزات پر افتخار نهضت آینده و بنا بر رادیکال شدن روز افزون نیروی راست حاکم در جامعه گرایشهای جدید، اما کوچک در جهت تشکل چپ در طرحها و یادداشتهای تعدادی از صاحبنظران و هواخواهان جنبش چپ دیروز به مشاهده میرسد و سوال عمل مشترک چپ به یک امر جدی دارد مبدل میگردد.

نهضت آینده که تازه دارد به نتایج مشخص کارهای خود دست مییابد و حقیقت طرحهای آن روز تا روز پرجاذبه تر و آشکارتر میگردد باید در چنین اوضاع حساس تاریخی نقش و رسالت خود را پا به پای انکشاف اوضاع دنبال کند.

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)